

آموزش و پرورش ایران پرتاب تیرها در تاریکی

سیدجواد حسینی

دردوران سرپرستی وزارت آموزش و پرورش روزی در شورای عالی انقلاب فرهنگی با این پرسش مواجه شدم که: آموزش و پرورش ایران اکنون در چه وضعیتی است؟ و شما قرار است آن را به چه وضعیتی تحول دهید؟ پاسخ به این سوال و سوالاتی از این دست برای مسوولان جمهوری اسلامی و از جمله من خیلی ساده است؛ معمولا با توضیحات غیرمستند و دقیق و البته به زعم گوینده متقن و قطعی همراه است. راستش را بخواهید من هم می‌توانستم این‌گونه پاسخ دهم اما این‌چنین نکردم و گفتم با کمال تاسف ما سنجه‌های قابل اتکایی که بر آن مبنا بتوانم وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش را برای‌تان توصیف کنم در اختیار ندارم، آنچه از وضع موجود می‌توانم بیان کنم صرفا نمرات امتحانات نهایی دانش‌آموزان است که در روایی و اعتبار آن جای تردید بسیار وجود دارد و نیز سنجش بین‌المللی آزمون تمیز و پرلز که ضمن اینکه این موارد سنجشی تک ساحتی است از عارضه عدم اعتبار کامل از یکسو و مهم‌تر از آن غیبت عنصر بهبود عملکرد براساس این شاخص‌ها از دیگر سو رنج می‌برد درحالی که اگر از من پرسش شود که وضعیت نظام آموزشی ما براساس همین سند تحول بنیادین در حوزه تعلیم و تربیت تمام ساختی دانش‌آموزان چگونه است؟ دانش‌آموزان از حیث تربیتی و پرورش در چه وضعیتی قرار دارند؟ تربیت سیاسی- اجتماعی دانش‌آموزان چگونه است؟ قدرت ادراکات زیبایی شناختی و هنری دانش‌آموزان در چه مرحله‌ای است؟ روحیه تفکر خلاق، انتقادی و نقاد در دانش‌آموزان چگونه است؟ پرورش تفکر واگرا و جست‌وجوگرایانه مبتنی بر مهارت‌های عقلانی در چه سطحی از پیشرفت قرار دارد؟ گرایش‌های معرفت‌شناسانه و خدا باورانه و دین‌مدارانه دانش‌آموزان در چه سطحی قرار دارد؟ وضعیت سلامت روحی- روانی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف و به تفکیک جنسیت چگونه است؟ تفکر اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان در چه سطحی است؟

سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی دانش‌آموزان به چه میزان است؟ و نیز اینکه در سند تحول بنیادین دست‌کم سی صفت برای دانش‌آموزان برشمرده است که نظام آموزش و پرورش باید آنها را در شخصیت دانش‌آموزان رشد

دهد، اکنون آموزش و پرورش ما به چه میزان از وجود این صفات در دانش‌آموزان مطلع است؟ و برای رشد این صفات چه برنامه‌ای دارد و چگونه با سنجش درست از میزان رشد آن در دانش‌آموزان آگاهی می‌یابد؟ معلمین ما در چه سطحی از شایستگی‌های حرفه‌ای قرار دارند؟ مدرسه‌های ما که براساس سند تحول بنیادین باید مدرسه صالح باشند و مدرسه صالح از هفت مولفه باید برخوردار باشد، به چه میزان از این مولفه‌ها برخوردار است؟ از هشت چرخش تحول‌آفرین کلان و چهل و هفت چرخش تحول‌آفرین خرد یعنی مجموع ۵۴ چرخش تحول‌آفرین کدام چرخش‌ها ایجاد شده است و به چه میزان؟ میزان تحقق عدالت آموزشی در پهنه وسیع کشور در سطح دانش‌آموزان، مدارس، معلمان، شهرستان‌ها استان‌ها به چه صورت است؟ نظام بودجه‌ریزی عملیاتی تا چه حدودی عملیاتی شده است؟ میزان کارایی و اثربخشی نظام مدرسه‌ای چگونه است؟ نظام آموزش و پرورش در دوران زیست بوم کرونا چه آسیب‌هایی دیده و چه فرصت‌هایی را به دست آورده است؟ در دوران پساکرونا نظام آموزش و پرورش چگونه باید استمرار یابد؟ میزان تسلط معلمان به فناوری‌های نوین آموزشی چقدر است؟ هوشمندسازی مدارس چطور؟ ارتقای کیفیت به چه میزان در نظام آموزشی و مدرسه‌ای ما محقق می‌شود؟ این سوالات و پرسش‌های بیشتر دیگری را می‌توان به این فهرست افزود که با کمال تأسف باید اعتراف کنیم در غیاب نظام جامع ارزشیابی و بهبود عملکرد پاسخ روشنی برای آنها نمی‌توان یافت، بنابراین در پاسخ به این سوال که آموزش و پرورش ما در چه وضعیتی است پاسخ درست آن است که بگوییم، نمی‌دانیم اما تأسف‌بارتر از آن وضعیت سنجش‌هایی است که وجود دارد که بیشتر مبتنی است بر سنجش فعالیت‌ها که در علم مدیریت به آن سنجش کارایی گویند در حالی که فراتر از سنجش فعالیت‌ها ارزیابی دستیابی به اهداف و اصطلاحاً اثربخشی است که اگر اغراق نکرده باشم باید اعتراف کنم که به کلی در نظام تعلیم و تربیت غایب است. در کنار این دو عنصر معیوب از نظام سنجش یعنی سنجش تک‌ساحتی و نیز سنجش کارایی و نه اثربخشی فاجعه‌بارتر اینکه همین میزان سنجش نیز مبنای بهبود عملکرد قرار نمی‌گیرد درحالی که غایت نظام‌های سنجش درک درست نکات قوت و ضعف و تقویت نکات قوت و برطرف کردن ضعف‌هاست که از آن به بهبود عملکرد تعبیر می‌شود، بنابراین می‌توان نظام جامع ارزیابی و بهبود عملکرد را دارای چند محور عمده دانست: محور اول نظام جامع طراحی اهداف و شاخصه‌های مهم، محور دوم نظام جامع اجرایی‌سازی، محور سوم نظام جامع ارزیابی و محور ذی‌ربط مراحل تصویب را طی خواهد کرد.

طراحی نظام جامع سنجش و ارزیابی عملکرد در وزارت آموزش و پرورش از آن جهت ضروری است که اندیشمندان مدیریت معتقدند ۵۰ درصد تحقق

اهداف سازمان به میزان نظارت و پایش و ارزیابی درست سازمانها مربوط میشود. نظام جامع ارزیابی پایش و ارزیابی بخش مهمی از نظام جامع بهبود و عملکرد است متأسفانه در وزارت پهن پیکر آموزش و پرورش نظام جامعی برای پایش و ارزشیابی وجود ندارد. همانطور که گفتیم، باید اعتراف کنیم تنها شاخصی که در نظام تعلیم و تربیت مورد سنجش قرار میگیرد نمرات آزمونهای امتحانات نهایی است اما در ابعاد دیگر نظام تعلیم و تربیت شاخص قابل اتکایی برای سنجش و پایش به ویژه ابعاد کیفی آموزش و پرورش نداریم. آزمونهای تیمز و پرلز هم شاخصهای کیفی در سطح نظام بینالمللی میباشند. وقتی سازمانی، نظام ارزیابی و پایش نداشته باشد دو اتفاق نامیمون در آن رهنمون میشود؛ اول تمام فعالیتها به مثابه پرتاب تیری در تاریکی تلقی میشود و دوم اینکه امکان بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت برای چشمانداز سازمان به وجود نمیآید و اشتباهات و فعالیتها نامطلوب در سیکل معیوب تکرار مکررات تبدیل به پیچهای هرز سازمانی میشوند. تعلیم و تربیت تمام ساحتی نیازمند نظام ارزیابی و پایش تمام ساحتی است و متأسفانه این نظام ارزیابی یا وجود ندارد یا اگر در برخی شاخصهای آموزش وجود داشته باشند بسیار تکسونگرانه و نامتوازن است و از جامعیت مطلوب و کافی برخوردار نیست و طراحی چنین نظامی برای سنجش و ارزیابی عملکرد و بهبود اهداف و مسیر سازمانی در نظام تعلیم و تربیت يك ضرورت اجتنابناپذیر است که غیبت این نظام جامع اکنون آموزش و پرورش ایران را در ورطه روزمرگی غلتانده و دچار سیکل بسته تکرار مکررات و توصیف و تشدید مشکلات و درنهایت ناکارآمدی و مرگ تدریجی کرده است.

منبع: روزنامه اعتماد 13 تیر 1402 خورشیدی